

فلسطین به آغوش اسلام باز میگردد!

در آن موقع که آشتنگی و هرج و مرج ، تشمت و اختلاف بر ممالک اسلامی سایه افکنده بود ، خلافت اندلس بدست اروپائیا منقرض و امرای مراکش با آنها دست بگریبان ، اوضاع مصر مغشوش و خلیفه فاطمی علیه «الافضل» وزیر مقتدر مصر توطئه می چید ، خلیفه بغداد که بظاهر «اولی الامر» است در میان فوجی از سپاهیان سلجوقی احاطه شده و از مداخله در امور بکلی ممنوع گردیده و از طرف دیگر فرقه اسماعیلیه برای بر انداختن خلافت بغداد تلاش مینمایند و حسن صباح نماینده این فرقه با تصرف پاره ای از شهرها دولتی در دولت آل سلجوق بوجود آورده و با ترور افراد مؤثر و با نفوذ وحشتی بزرگ در دلها افکنده است .

آری درست در همان زمان که کشور پهناور سلجوقیان به بخش های بی شماری منقسم و هر بخشی بین چند شاهزاده عیاش و یا چند امیر سرکش تقسیم گردیده و بالاخره در همان هنگام که جوامع اسلامی دست بگریبان کشمکشهای داخلی بودند و هر سر کرده ای کوس لمن الملکی میزند و خود را پادشاه مطلق العنان میداندست ، لشکر صلیب مرزهای کشورهای اسلامی را پشت سر گذارد و در میان غنات و تشمت مرگبار مسلمین در سال ۱۰۹۶ میلادی (حدود سال ۴۹۰ هجری) اولین مرحله جنگهای خونین و غیر انسانی صلیبی شروع گردید و پس از سه سال و اندی یعنی در ۱۵ ژوئیه ۱۰۹۹ میلادی مطابق با ۲۳ شعبان ۴۹۳ هجری پایان پذیرفت و به سقوط فلسطین و بیت المقدس و نواحی دیگری از قبیل انطاکیه و طرابلس منتهی شد .

آری در همان موقع که تشمت و پراکندگی اجتماع مسلمین را تهدید به نابودی میکرد و ریاست طلبیها و اختلاف سلیقه رهبران ، رهبریهای غلط و بدون نقشه و پراکنده ای را نتیجه میداد ، مسیحیان با نقشه قبلی و بدستور باب اعظم ! پس از محاصره چند روزه بیت المقدس ، روی زمین ها نشسته ، باصفوفی فشرده و منظم گوش بفرمان فرمانده خود ایستاده اند .

« گودفروا » فرمانده برج های متحرك و سواران جنگی در ساعت ۳ بعد از نصف شب ۱۴ ژوئیه ۱۰۹۹ از فراز برجی که روی آن قرار گرفته بود با بانگی بلند فرمان حمله داد ، در این هنگام تمام واحدها از جا کنده شد و در یک چشم بهم زدن بیت المقدس را از هر سو بمیان گرفتند و پس از دو روز پیکار خونین و سهمگین سرتاسر شهر بتصرف مسیحیان درآمد ، آنها با قساوتی فوق العاده مردان را سر میبردند و زنان را شکم دریده و پستان می کنند ، کودکان شیر خواره را با سر نیزه باغوش مادران میدوختند ، آدمخوردان اروپائی که از استشمام بوی خون

به هیجان آمده درحالیکه خود را از فرق تا قدم آغشته بخون کرده بودند وارد کلیسای مسیح شده و بشکرانه این پیروزی مراسم دعا بجا آوردند و از آنجا وارد مسجد اقصی شده و بکشتارزها پرداختند و تمام معتکفین در مسجد راسر بریدند !! (۱)

«گودفروا» در گزارش خود پیاپ «اربن دوم» مباحات کنان چنین مینویسد: «اگر میخواهید بدانید با دشمنانی که در بیت المقدس بندست ما افتادند چه معامله ای شد همینقدر بدانید که کسان مادر رواق سلیمان در لجه ای از خون مسلمانان می تاختند .

.. تقریباً ده هزار نفر مسلمان در معبد قتل عام شد و هر کس در آنجا راه میرفت تا بند پایش را خون میگرفت . از کمار هیچکس جان بدر نبرد - حتی زن و کودک آن راهم معاف نکردند... پس از کشتار نوبت بغارت خانه ها رسید ، کسان ما چون از خونریزی سیر شدند پخانه ها ریختند و هر چه بدستمان افتاد ضبط کردند (۲) ، و بدین ترتیب شهر بیت المقدس که مدت پنج قرن در کنف حمایت مسلمین بود و مسلمانان بدون ریختن قطره ای خون آنرا بتصرف در آورده بودند سرانجام بوسیله جنگی بی رحمانه و کشتاری غیر انسانی بتصرف پیروان ! حضرت مسیح در آمد ، مردمانش تانفر آخر قتل عام شد ، مساجدش بخون آغشته شد ، خانه هایش بتاراج رفت ، بناهای تاریخیش ویران گردید ...

* * *

یک قرن از این فاجعه شوم گذشت و در این مدت اوضاع ممالک اسلامی همچنان مغشوش بود و متجاوزین صلیبی مدام در کار حمله و تعرض بودند و از پایگاههای چهار گانه خود یعنی «فلسطین» - «اروفه» - «طرابلس» - «انطاکیه» ، دائماً بر مسلمین می تاختند تا اینکه در آغاز دومین قرن بعد از جنگ اول صلیبی ، صلاح الدین ایوبی که امیری توانا و رهبری با کفایت و مدبر بود روی کار آمد ، وی در آن موقع بر قسمتهای پهنای ارض زمینهای اسلامی حکومت داشت و با همه قدرت و نفوذی که پیدا کرده بود ، بحد اقل زندگی قناعت میکرد و چون سایر حکومتها «بیت المال» مسلمانان را وسیله زراندوزی و خوشگذرانی خود قرار نداده بود ...

مسلمانان هم چون امتیازات و خصوصیات یک امیر و حاکم واقعی را در او مشاهده کردند ، از جان و دل بوی پیوستند و خاطر ات تلخ شکستهای گذشته در آنها بیش از پیش بیدار شد . اداره بیت المقدس در زمان صلاح الدین ایوبی در دست «بلدوین چهارم» و سپس «بلدوین پنجم» قرار داشت .

امیر قاطع و توانای مسلمین در تابستان ۵۶۶ هجری تصمیم گرفت بطور کامل جدی با

(۱) جنگهای صلیبی تألیف محمدرشاد ج ۱ صفحه ۱۲۷

(۲) کامل التواریخ تألیف ابن اثیر ج ۱۰

متجاوزین دست و پنجه نرم کند ، وی باسربازانی ازجان گذشته که بر اثر رهبری خردمندانه صلاح الدین دارای نظم و تاکتیک جالبی بودند ، بجنگ متجاوزین صلیبی شتافت و پس از فتح سایر نقاط ساحلی شام و فلسطین برای تصرف « بیت المقدس » (مرکز صلیبی ها) عازم آنجا شد و دژهایی را که سر راه او بود یکی پس از دیگری تصرف کرد و تصمیم گرفت قبل از آنکه دشمن بیدار شود بر سر او بتازد . صلاح الدین خود را بدیوارهای شهر بیت المقدس رسانید و پس از هشت روز صلیبی ها تسلیم شدند و جزعده معدودی از مسیحیان شام و یونانیهایی که در سپاه صلیبی بودند و از طرف فرمانده مسلمانان اجازه سکونت در بیت المقدس با نهاد داده شد ، از بیت المقدس خارج گردیدند .

هنگام تخلیه شهر از طرف صلاح الدین باندازه ای بآنان آزادی عمل داده شد که دمه زیادی پیر مردان ناتوان خود را بردوش گرفته و با خیال راحت از شهر خارج شدند و حتی بدستور امیر مهربان و انسان دوست مسلمین مال سواری در اختیار عده ای از آنها گذاردند و نسبت بکودکان و زنان متجاوزین صلیبی با کمال مهربانی و عطوفت رفتار شد . پس از آنکه صلیبی ها از شهر خارج شدند ، صلاح الدین و سپاه اسلام در روز جمعه ۲۷ رجب سال ۵۸۲ هجری قمری وارد « بیت المقدس » شدند . صلاح الدین دستور داد مسجد اقصی را بصورت اول در آورند و سپس مساجد و مدارس را تعمیر کنند .

پس از استخلاص بیت المقدس و فروریختن قدرتهای مسیحی ، سرو صدای حکومتهای اروپائی مجدداً بلند شد و برای سومین بار آتش جنگهای صلیبی شعله ور گردید و صدها هزار نفر مسیحی بسوی « بیت المقدس » حملهور گردیدند ولی این تجاوز با تمام وسعتی که داشت در اثر درایت رهبر با کفایت مسلمین صلاح الدین ایوبی و اتحاد و اتفاق مسلمانان ، نتیجه چندان مطلوبی برای آنها نداشت (۱)

* * *

بایک نگاه دقیق در قلب حوادث جهان باین نتیجه خواهیم رسید که جنگها و صلحها ، شکستها و پیروزیها و بالاخره همه پدیده ها و رویدادهای اجتماعی ، دارای عواملی خاص و انگیزه هایی ویژه است و هیچ پدیده و حادثه ای از روی تصادف بوقوع نمی پیوندد و این عوامل هر چند که ممکن است در زمانهای مختلف بصورتها و شکلهای گوناگون در آید ولی در یک معیار و مقیاس کلی میتوان آنها را از هم جدا و متمایز ساخت باین معنا که عامل شکست همان است که روزاؤل بوده و عامل موفقیت همان است که از روز نخست برای جوامع بشری پیروزی باره مان آورده و لولاینکه با اختلاف زمان و مقتضیات و اوضاع و احوال جزئیات آنها قابل تغییر

(۱) رجوع شود به کتاب «صلاح الدین مردی که بر غرب پیروز شد» .

و تبدیل باشد .

در جنگ اول صلیبی که منجر به سقوط فلسطین و بیت المقدس گردید ، عوامل شکست عبارت بود از اختلافات مرگبار داخلی در میان مسلمانان ، ریاست طلیبی و ضعف نفس رهبران و حکومتها و بالاخره عدم نظام و دیسپلین صحیح ؛ او صد سال بعد که فلسطین باغوش اسلام بازگشت ، عامل بزرگ این پیروزی افتخار آمیز همان رهبری خردمندانه صلاح الدین بود که با عظمتی فوق العاده و سرسختی کم نظیری در جامعه اسلامی احساس مسئولیت ایجاد کرد و صفوف پراکنده آنها را منظم ساخت و با ایمانی که باسلام و علاقه ای که به سرزمینهای اسلامی داشت بملأء عقل و درایت ویژه خود سپاه اسلام را باوضع دشمن تطبیق نمود و اتحاد و اتفاق را در میان مسلمانان بوجود آورد .

امروز هم که فلسطین سرزمین عزیز اسلامی در دست متجاوزین صلیبی و ایادی آنها قرار گرفته ؛ نجات آن از چنگال آنها وظیفه حتمی همه مسلمانان جهان است ، در صورتیکه عوامل پیروزی و موفقیت را در مرحله اول در خود ایجاد نمایند و در این هنگام با توجه بهمان معیار کلی و خلل ناپذیر ، میتوان بطور قاطع و بدون تردید گفت که فلسطین باغوش اسلام باز می گردد .

(بقیه از ص ۶)

دریافرا بر اثر زور آزمائی دول بزرگ هر روز صدها کودک بینوا باوضع فجیعی از گرسنگی جان میدهند و جنایاتی میشود که اذشیدن آن مو بر بدن انسان راست میشود ، ولی دنیا یکصدم جنجالی را که برای اشغال چکسلواکی براه انداخت در مورد آن نشان نداد .

آیا برای اصلاح این وضع نابسامان راهی جز احیای ایمان و وجدان و اصول اخلاقی بنظر میرسد ؟

آیا نادیده گرفتن منافع مادی خود ، بخاطر حفظ آزادی و حقوق دیگران تنها با تعلیمات مادی امکان پذیر است ؟

آیا نباید «ارزشهای» غیر از «ارزشهای مادی» در افکار زنده شود که بتواند خلاء فکری بشر را هنگام چشم پوشی از منافع خود بخاطر حفظ حقوق دیگران پر کند و یک عوض منطقی و قابل قبول در برابر این گذشت محسوب گردد ؟

آیا اگر این اصول زنده شود و قضاوت عمومی مردم جهان بربك محور انسانی و صحیح دوزند اقلیتهائی میتواند دست تجاوز بحقوق دیگران بزنند ؟

و آیا این طرز کار سردمداران کنونی دنیا که درست بکارهای کودکان میماند دلیل روشنی بر شکست فلسفه ماد دیگری و به بن بست رسیدن راهی که برای بشریت ترسیم کرده است نیست ؟ .